

فتوت اصنافی الگوی اسلامی ایرانی کسب و کار عبدالرسول احمدیان^۱، مهرداد آقاشریفیان اصفهانی^۲



چکیده

یکی از عرصه‌های مهم در ساحت پیشرفت، عرصه کسب و کار در منظومه اقتصاد و تاثیر اخلاق و معنویت بر آن است. در این نوشتار از زاویه فتوت نامه‌های اصنافی که بر آیند معارف اسلامی و تبلور آن در فرهنگ بومی ما است دریچه‌ای به سوی کسب و کار گشوده شده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوایی منابع مکتوب به این موضوع پرداخت شده است. در این مقاله با تدقیق بر چهار رساله صنفی، معماریه، صنایع و فتوت نامه ی بنایان و آهنگران، نظام حاکم بر کسب و کار در قالب دوازده عنوان مورد اشاره قرار گرفته است؛ از جمله می‌توان به: جوانمردی و احسان، کمک به فقرا، توحید محوری، نخبه گرایی، اقتدا به پیشوایان توحیدی، فرهنگ کار مضاعف، برکت کار و مال، سودمندی اجتماعی و ... اشاره کرد. این مقال علاوه بر معرفی میراث گرانبهای پیشینیان، الگویی ایرانی اسلامی فرا سوی جوانان این کهن بوم ایمانی گشوده است.

کلیدواژه‌ها: فتوت اصنافی، کسب و کار، الگوی اسلامی ایرانی

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی

۲. هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان



۱- مقدمه

بنا بر آموزه‌های توحیدی اسلامی انسان موجودی اجتماعی است. انسان‌ها قسمت اعظم نیازها و احتیاجات خود را از طریق کار گروهی و در اجتماع تامین می‌کنند. اگر افراد جامعه‌ای بتوانند کسب و کار و شغل مناسب به دست آورند و شغل آنان متناسب با استعدادها، توانایی‌ها و علائق آنها باشد، زمینه برای نوآوری، ابتکار، رشد و پیشرفت خود و جامعه، هم در ابعاد معنوی، اخلاقی و سلوکی و هم ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود می‌آید. از دیگر سوی شغل و کار نزد اهل معرفت، جوانمردان و فقیهان، نه مانع ذکر الهی بلکه راه سلوک معنوی و خودسازی _ مصداق آیات فوق _ محسوب می‌شده؛ لذا اصولی چند را رعایت و ترویج می‌کردند.

در این مقال و مجال بر سر آن هستیم تا از لایه لای متون صنفی برجای مانده از پیشینیان، اهم این اصول را به عنوان الگوی اسلامی ایرانی کسب و کار نمایانده تا توشه‌ای فراروی اهل کار و ابتکار فراهم آید. در این بازشناسی ابتدا به بیان تعاریف و اصطلاحات مورد نیاز، سپس به معرفی و گزارش گزیده‌ای از فحوای چهار متن از گنجینه‌ی فرهنگ اسلامی ایرانی می‌پردازیم، نقطه مشترک این گنج متن‌ها پرداختن به بایدها و نبایدهای کسب، کار و صناعات می‌باشد؛ سپس ۱۳ اصل از اصول آن را تقدیم می‌کنیم.

۲- الگوی اسلامی ایرانی کسب و کار

منظور این مقاله از الگوی اسلامی ایرانی کسب و کار، سر مشق یا چارچوب و شیوه حرکت و عمل برای حصول به اهداف ترسیم شده در عرصه اقتصاد، کار و تولید است که متناسب با سوابق فرهنگی ملی و موافق با روح تعالیم دین ما است و می‌توان نشان دین را از آن یافت.

۳- فتوت و فتوت نامه‌ها

«فتی» که جمع آن فقیان است، بر مفهوم جوان، دلالت می‌کند. «جوانمردی» معادل فتوت است و همان جوانی است (دهخدا ۱۳۷۷:مدخل فتوت)؛ در قرآن، اصحاب کهف مصداق فقیان نام گرفته‌اند. (قرآن کریم، کهف/ ۱۳)؛ در عرفان «فتوت» فن پنجم از فنون تصوف و عبارت است از معرفت کیفیت ظهور نور فطرت انسانی و استیلاي آن بر ظلمت نفسانی تا فضایل خلاق با اسرارها ملکه گردد و رذایل به کلی منتفی شود. (دامادی، بی تا: ۱۵۷).

فتوت از حیث اصطلاح اجتماعی، تاریخی، عبارت است از راه و رسم و آیینی خاص که از قرن‌ها پیش، حتی قبل از اسلام، در میان ایرانیان طرفدار داشته و نهادهای اجتماعی خاصی برای حمایت و ترویج آن پدید آمده است. (محبوب، ۲۰۰۰ م: ۲۹۱). به بیان دیگر، به مجموعه‌ای از فضایل به ویژه بخشش، مروت، شجاعت دلالت دارد که فقیان با این ویژگی‌ها از دیگران ممتاز می‌شدند، سپس به صورت گروه اجتماعی خاصی در آمدند که نقش بسیار مهمی را در روابط اجتماعی برعهده داشت



۱۱۵۵ ► مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت

و این گروه با شعار بخشندگی، کارسازی و دستگیری از مردم و با آداب خاص این آیین را به کار می‌بستند. آنها به استناد قول لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار سیره و روش امام علی ۷ را الگو و سر مشق خویش ساخته بودند.

در فتوت نامه عطار آمده :

الا ای هوشمند خوب کردار	بگویم با تو رمزی چند ز اسرار
چو دانش داری و هستی خردمند	بیاموز از فتوت نکته‌ای چند
که تادر راه مردان ره دهند	کلاه سروری بر سر نهند
اگر خواهی شنیدن گوش کن باز	زمانی باش با ما محرم راز
چنین گفتند پیران مقدم	که از مردی زدندی در میان دم
که، هفتاد و دو شد شرط فتوت	یکی زان شرط‌ها باشد مروت
بگویم با تو یک یک جمله ی راز	که تا چشمت بدین معنی شود باز
نخستین، راستی را پیشه کردن	چو نیکان از بدی اندیشه کردن
همه کس را به یاری داشتن دوست	نگفتن، آن یکی مغز و دگر پوست
ز بند نفس بد، آزاد بودن	همیشه پاک باید چشم و دامن
اگر اهل فتوت را وفا نیست	همه کارش بجز روی و ریا نیست (عطار)

این که سرچشمه فتوت از کجاست، چند دیدگاه مطرح شده است: سرچشمه آن ایران باستان است (کربن، ۱۳۸۳: ۱۰۹). یا شهرهای روم شرقی (کربن، ۱۳۸۳: ۱۳۸) و یا سرچشمه ی توحیدی و خاصه اسلامی دارد. ابن رسولی (قرن پنجم) که رساله‌ای در باب فتوت دارد، فتوت را میراث پیامبران و امامان می‌شمارد و براین نظر است که از زمان حضرت آدم آیین فتوت در جهان پیدا شد و آدم به گزاردن حق قیام کرد و چون مدت وی به پایان آمد در باب آن به شیت نبی وصیت کرد و سپس به نوح انتقال یافت و از نوح به سام رسید تا خلیل الرحمن ابراهیم ظاهر شد و به فتوت ابراهیم در قرآن تصریح شد. آنگاه در زمان موسی آنچه از جوانمردی پنهان مانده بود آشکار شد و موسی آن را به هارون فرمود و پس از آن فتوت در مسیح ظاهر شد و سرانجام به حضرت رسول اکرم رسید. (محبوب، به نقل از ناظمی، ۱۳۸۹)

ناصر سیواسی در فتوت نامه منظوم خود انتساب فتوت به حضرت آدم ۷ را چنین سروده است :

لاجرم بشنید امر اهبطوا	از بهشت آمد بر این عالم فرو
روز و شب بگریست آن برگشته حال	برگناهی سیصد و شست سال
گریه اش انصاف دادن بود از او	آن فغان و آب چشم همچو جو
پس رسد او را فتوت در جهان	کان چنان انصاف دادست آن زمان

(ناظمی، ۱۳۸۹)



۴- فتوت نامه

فتوت نامه رساله یا کتابی است که در باب منش، عقاید، قوانین، و آداب جوانمردان نوشته شده است. فتوت نامه‌ها بخش قابل توجهی از ادبیات عامیانه ایران را تشکیل می‌دهند و نماینده فرهنگ توده‌های مردم این مرزو بوم در روزگاران گذشته اند (افشاری، ۱۳۸۲: ۱). بسیاری از بزرگان متصوفه در برابر کتاب‌هایی که به نظم و نثر عربی و فارسی نگاشته‌اند آثاری نیز در فتوت به نظم و نثر فراهم کردند که فتوت نامه نام گرفت. افکار و آداب جوانمردی از جمله‌ی ذخایر معنوی و فرهنگی است که به صورت یک سلسله‌تعالیم اخلاقی و یک نوع حکمت عملی برای عامه‌ی مردم درآمده و در دوره‌های فترت کارساز بوده است؛ بدین معنی که آن بخش از احکام دین و اصول عقلی که مربوط به زندگی افراد در جامعه و رفتار آنان با یکدیگر بوده به صورت تلطیف شده و با گذشت زمان از انواع صافی‌های تجربی و انسانی عبور کرده و در قالب قواعد اخلاقی به ظریف‌ترین حالات خود درآمده و از نسلی به نسل بعد سپرده شده است. خلاصه و چکیده‌ی آن عبارت است از تکالیفی که شخص به حکم محبت و به فرمان عشق اجرای آن را به عهده گرفته و بحث نظری و عملی آن در فتوت نامه‌های گوناگون آمده است که می‌توان همه را به عنوان آیین جوانمردی نامید.

این انسانهای آزاده و بزرگوار در ادوار پرآشوب و به هنگام فترت‌ها و انتقال قدرتها و انحطاط و تغییر حکومتها مردم بی‌پناه سرزمین خود، بالاخص ساکنان شهرها را از گزند انواع تجاوزات محفوظ داشتند و با تعمیم اصول و مبانی جوانمردی به همه‌ی جنبه‌های زندگی و به روابط انسانی حال و هوایی از محبت و دوستی بخشیدند و بدین نحو سرمایه‌ی گرانبهائی از عشق و محبت و کف نفس و خویش‌داری و مدارا و گذشت برای ما به جا گذاشتند، سرمایه‌ای که برای امروز و فردایمان نیز بسیار کارآمد است و در جهان کنونی همگی سخت بدان نیازمندیم، زیرا خردمندان جامعه‌ی بشری معترفند که انسان امروز نیاز مبرم به آرامش و مدارا و تساهل و تسامح و تفاهم قلبی و تحمل دیگری دارد و در دنیای صنعت زده‌ی آزمند معاصر تجربه‌ی زندگی نشان داده است که پیشرفت علوم و فنون و صنایع و ارتباطات به تنهایی آدمی را به آن هدفهای عالی و معنویت متعالی نمی‌رساند (کربن، ۱۳۶۳: ۲۰).

ظاهراً رسم فتوت نامه نویسی از قرن چهارم یا پنجم به بعد باب شده است؛ ابو عبدالرحمن محمدبن حسن نیشابوری (م ۴۱۲) رساله مستقلی به نام کتاب الفتوه دارد. کتاب الفتوه ابن معمار بغدادی (م ۶۴۲) و تحفه الاخوان کمال الدین عبدالرزاق کاشانی (م ۷۳۰) نیز از جمله فتوه نامه‌های به زبان عربی‌اند.

افزون بر فتوت نامه‌های عربی چندین فتوت نامه نیز به زبان فارسی نگاشته شده که اهم آنها به قرار زیراند:



فتوت نامه‌ی عبدالرزاق کاشانی
 فتوت نامه‌ی شمس‌الدین آملی
 فتوت نامه‌ی شهاب‌الدین عمر سهروردی (یکم)
 فتوت نامه‌ی شهاب‌الدین عمر سهروردی (دوم)
 فتوت نامه‌ی درویش علی بن یوسف کر کهری
 فتوت نامه‌ی چیت‌سازان
 فتوت نامه نجم‌الدین زرکوب (م ۷۱۲)؛
 فتوت نامه علاء‌الدوله سمنانی (م ۷۳۶)؛
 فتوت نامه امیر سید علی همدانی (م ۷۵۶)؛
 فتوت نامه سلطانی از ملا حسین کاشفی (م ۹۱۰).
 فتوت نامه عطار، شامل هشتاد و دو بیت از فریدالدین عطار
 فتوت نامه دیگری شامل ۶۸۹ بیت از شاعری متخلص به ناصری نیز از فتوت نامه‌های منظوم
 هستند

۵- پیدایش فتوت اصنافی

به عقیده فتیان اولیه، دوازده کس شایسته ورود در سلک فتیان نیست؛ کاهن، خوگرفته به شراب، خواری، دلاک، دلال، جولا، قصاب، جراح، صیاد، کارگزار دیوان دولتی و محتکر. به دلیل همین شرایط سخت در ورود به جرگه فتیان اولیه بود که بعدها «فتوت اصنافی» به وجود آمد و همه اصناف پیشه وران به ویژه از اواخر قرن هشتم هجری در همه جا خود را به شاخه‌ای از آن منسوب داشتند و هر یک از پیشه وران سعی کردند تا پیشه و صنعت خود را از دیگران بهتر و برتر قلمداد کنند. کتاب «آیین جوانمردی» از فتوت نامه‌های اصنافی مثل قصابی، خبازی و سلمانی یاد می‌کند. در این اثر جوانمردی پیشه وران را از جوانمردی عیاران متفاوت می‌داند:

رساله‌های اصناف نشان می‌دهد که جوانمردی پیشه وران صبغه زهد و تصوف داشته است و همین نکته است که جوانمردان پیشه وران را از جوانمردی عیاران و سپاهیان جدا می‌کند. بر طبق این رساله‌ها هریک از اصناف به یکی از پیامبران منسوب است مثلاً کرباس بافتن و اصولاً بافندگی از شیت و نانوائی و ساخت بیشتر ابزارهای نانوائی از ابراهیم مانده است؛ اما بیشتر پیشه‌ها را نخستین بار آدم تعلیم گرفت و از آن جمله نمد مالی و نانوائی و کفش دوزی. برخی از پیشه وران نیز در دوره‌های از تاریخ، پیشوایی افسانه‌ای داشته‌اند. برای نمونه «جوانمرد قصاب» پس از ابراهیم پیشوای قصابان و سلاخان شمرده می‌شده است. (افشاری، ۱۳۸۴)



۶- فتوت نامه‌های اصنافی

بی گمان از جالب‌ترین و ارزشمندترین فتوت‌نامه‌ها، فتوت‌نامه‌های صنفی است؛ چه این جوانمردی نامه‌ها (فتوت نامه‌ها) افزون بر اینکه منش جوانمردی را به خوانندگان خود می‌آموزد آنان را با آداب و رسوم و پندارهای پیشه‌وران گذشته سرزمین‌های اسلامی نیز آشنا می‌کند: فتوت نامه چیت سازان، فتوت نامه آهنگران، سلمانیان، سقایان، فتوت‌نامه قصاب، طبّاخان و... از جمله این گونه فتوت نامه‌ها هستند (ناظمی، ۱۳۸۹)

۷- اصول اخلاقی فتیان

به فرموده ی امیرالمومنین علی(ع) اصل فتوت هشت خصلت است که سالک خود را به رعایت این اصول موظف دانسته و این اصول عبارتند از: وفا، صدق، امن، سخا، تواضع، نصیحت، هدایت و توبه. در فتوت نامه‌ها، به صفات اهل فتوت اشاره شده که بزرگان و پیران ایشان، آنها را هفتاد و دو دانسته‌اند.

راستی، اندیشه کردن از بدی، یاری، آزادی از بند نفس، پاک داشتن چشم و دامن، وفا، بخشودن بر دوست و دشمن، خواستن برای دیگری آنچه برای خود می‌خواهند، جان و دل بستن در راه کسی که مهر بریده باشد، زبان را به بد گفتن نیاموختن، در زور خود را کمتر از مور دانستن، برآوردن مراد نامرادان، کردن کاری را نگفتن و کردن آنچه از دست برآید، رضا دادن در خشم، دل‌آزار نبودن، خویشتن بین نبودن، بردباری، نان دادن، زبان و دل یکی داشتن و از پس و پیش یکی بودن، نکردن کاری که دیدن و شنیدن را نشاید، از بردباری دم نزدن، راه پارسایی ورزیدن، تزویر نکردن، درون از کین پاک داشتن، رفتن به جایی که او را بخوانند اگر هم بیم جان باشد، دماغ از کبر خالی داشتن، تواضع کردن، از تکبر دور بودن، سخن نرم و لطیف و تازه و به اندازه گفتن، راز دل با هر کس نگفتن، حسد نورزیدن، به فرزند طمع نداشتن، به جای آوردن هر چه بگویند اگر هم سر بر سر آن کار نهند، راه مروت را به خود نرفتن، ریاضت کشیدن، با خواننده به جایی نرفتن، به چشم شهوت بر دوست نگریستن، کج‌بین نبودن، خودکام نبودن و به کام خود یک گام برنداشتن، با اهل زمانه مروت کردن، جز مردم سخی را دوست نداشتن، مدارا کردن با پیران و بخشودن بر جوانان، با دوست و دشمن لاف نزدن، داد خلق دادن و دستگیری کردن، به خود مغرور نبودن، ادب نگاه داشتن، خدمت کردن، به عزت بودن، اگر سیلات خون آید آن را پوشاندن، نام کس را جز به نکویی نبردن، گرد عصیان نگشتن، هوای نفس خود را شکستن، پیر و جوان را چنان تربیت کردن که شرمسار نشوند، نصیحت در نهان کردن، لباس خود را بهر ناسزا ندادن، همه کس را چون فرزند تربیت کردن، قناعت داشتن، به طاعت کوشیدن و دیندار بودن، خدای را پرستیدن و پیر و فرمان بودن، قدم در راه نیستی زدن، صبوری پیشه کردن، در نعمت شکر خدا کردن، در محنت صبر کردن، با مهمان شیرین زبان بودن،



۱۱۵۹ ► مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت

تکلف از میان برداشتن و هر چه باشد پیش آوردن، دلها را به احسان و کرم به دست آوردن، در راه احسان چالاک بودن، در انتظار شکرانه نبودن، چون شمع در میان جمع سوختن، با عشق صبر کردن، گفتار را با کردار راست داشتن. (کربن، ۱۳۸۳: ۱۲۶-۱۲۴)

شیخ ابو عبدالله محمد بن ابی المکارم معروف به ابن معمار حنبلی بغدادی که ظاهراً قدیمی ترین کتاب الفتوه به او منسوب است در کتاب خود می گوید:

... و گوید رسول خدا ۹ گفت جوانمردان امت مرا ده علامت است. گفتند ای رسول خدا آن علامت‌ها کدامند؟ فرمود: راستگویی و وفای به عهد و ادای امانت و ترک دروغگویی و بخشودن بر یتیم و دستگیری سائل و بخشیدن آنچه رسیده است و بسیاری احسان و خواندن مهمان و سر همه آنها حیا است. (فتوت نامه سلطانی، مقدمه به نقل از ناظمی، ۱۳۸۹)

۸- گشتی در گلستان رسائل و گنجینه‌های صنفی

۸-۱ رساله صناعیه؛ نگاهی حکمی به کار و پیشه

«شخص انسان بی معاونت ابنا‌ی نوع و جنس خود، محال الوجود است؛ زیرا که هر یک از اشخاص انسان محتاج اند به طعام و شراب و لباس ... که تحصیل هر یک ناچاری است؛ و تحصیل هر یک را یاوران باید» (میر فندرسکی، ۱۳۸۷: ۸۴)

«پس واجب است بر کافه ناس که هر کس به قدر استعداد در صنعتی کوشد که نظام کل و نوع و شخص در آن است» (همان: ۹۰)

نویسنده این اثر، مولانا محمدباقر میرحسینی فندرسکی مشهور به میرفندرسکی (۱۰۱۹-۹۴۲ شمسی / ۱۰۵۰-۹۷۰ قمری)، عارف، حکیم و از استادان بنام مکتب اصفهان در دوره صفوی است. مهم ترین اثر میرفندرسکی همین رساله فارسی معروف به «صناعیه» است که به عنوان «حقایق الصنایع» نیز شهرت دارد. رساله ی صناعیه با زبان حکمت، در واقع تبیین کننده مبانی نظری کسب و کار، صناعات می باشد که در کمتر اثری مشابه آن را می توان مشاهده نمود، لذا ما در این مجال نه نکته از مسائل مطرح در رساله صناعیه حکیم متضلع میرفندرسکی را تقدیم می کنیم.

نکته اول: توحید، عبودیت، مسئولیت در برابر خداوند، نظام ربوبی و فرهنگ معاد باوری.

نکته دوم: هم گامی حرفه و تزکیه (آموزش مهارت و اخلاق)

نکته سوم: رعایت اهلیت و شایستگی و ظرفیت و استعداد فرد در انتخاب شغل و استمرار آن

نکته چهارم: تلاش و اجتهاد هدفمند در راستای هدفمندی عالم.

نکته پنجم: توجه به پیوستگی، نیاز و تعامل اندام وار (ارگانیک) انسانها با هم.

نکته ششم: نیاز جامعه به تمام مشاغل و حرف (عدم تمرکز بر مشاغل خاص).

نکته هفتم: توسعه و ارتقاء کمی و کیفی در مشاغل (عدم ایستایی و در جا زدن)



نکته هشتم: نظارت مدام و شدید اجتماعی برمشاغل (برخورد با مفسدان و تن آسایان و رعایت محرومان)

نکته نهم: بیشترین خیر و سودمندی و نفع برای خود، جامعه انسانی و کل آفرینش^۱
۲-۸ رساله معماریه

«حضرت آقای مشارالیه که وجودی شریف و به غایت حلیم و سلیم طبع است و در دین و دیانت سخت متعبد، هیچ گاه ذره‌ای کبر و کین به دل نداشته است و به فرا نمودن معارف و کمالات خود نپرداخته است. توان گفت که هرگز، ولو یک بار، به عمر خود بر زبان نیاورده است که بر فلان کار قادرم و در فلان صنعت و عمل ماهرم. اگر بیگانه‌ای سال‌ها با وی همنشین شود، تا آقا برنخیزد و به کاری نپردازد، از صنعت و کار و معرفت وی در علم هندسه آگاه نشود؛ زیرا که وی بر رغم دیگران، خود نستاید و باوقار و بزرگ منش است. نگوید فلان گونه و فلان نوع هنر دارم (جعفر افندی، ۱۳۸۹: ۷۶ - ۷۷)»

این اثر به قلم جعفر افندی در سال ۱۰۲۳ هجری نوشته شده است و درباره‌ی زندگی و آثار محمد بن عبدالمعین معروف به محمد آقا (آغا) معمار دربار عثمانی و سازنده‌ی مسجد سلطان احمد در استانبول (مسجد کبود) است؛

رساله‌ی معماریه، دیباچه‌ای دقیق در معرفی مندرجات و فهرست فصول و اشعار دارد و پانزده فصل در پی آن می‌آید. ما در این مجال گزارشی از مهمترین نکات مطرح شده در این اثر بیان می‌کنیم.

نکته اول: بسیاری از صنایع و پیشه‌ها از طریق سلسله قدسی با نظام کائنات پیوند می‌یافت. پیشینیان برای همه‌ی پیشه‌ها، از جمله معماری، منشأ مقدسی قایل بودند.

نکته دوم: متعلم و کارآموز صنعت و پیشه (از جمله معماری)، در بدو آموزش خود را همکار و پیرو انبیاء و اولیاء می‌دید، از این رو، چه در زندگی شخصی، چه حرفه‌ای، خود را مجاز به هر کاری نمی‌دید. نکته سوم: صاحبان پیشه و صناعات خود را عضوی در جامعه و تابع معیارهای آن می‌دید و وظیفه‌ی خود را بهبود بخشیدن آن ضوابط می‌دانست. این طرز فکر در نظام اجتماعی و حرفه‌ای آنان نیز تجلی می‌کرد. از آن جمله معماران نظام صنفی مستحکمی داشتند. معمار، از روز نخست در کسوت کارگری و غلامی و شاگردی با نظام صنفی آشنا می‌شد و فراخور استعداد و پشتکار خود مدارج آن را طی می‌کرد. آموزش و عمل غیر حرفه‌ای و حرفه‌ای او به نحوی ظریف و طبیعی با نظام صنفی مرتبط بود. نکته چهارم: نظام استاد و شاگردی؛ هر شاگرد، استادی مستقیم و اصلی داشت که نزد او به تعلم هندسه‌ی عملی می‌پرداخت. همه‌ی این استادان خود شاگرد و مرید استاد بزرگ‌تری بودند که استاد استادان و رئیس معماران کشور محسوب می‌شد. نخستین مرتبه‌ی شایان توجه در صنف

۱. امام علی ۷ فرمودند: بهترین مردم کسی است که به مردم سود رساند. غررالحکم، ص ۴۵۰، ح ۱۰۳۵۲.



معماران، استادی در نجاری و بالاترین مرتبه «معماری» بود که به دارنده‌ی آن منصب «سر معماران خاصه» می‌گفتند.

نکته پنجم: رابطه‌ی استاد و شاگرد بالاتر از رابطه‌ی پدر و فرزند محسوب می‌شد. استاد، پدر معنوی شاگرد بود، زیرا تربیت معنوی او را بر عهده داشت. در نتیجه، احترامش کمتر از پدر جسمانی نبود. استاد هم، به شاگرد به چشم برده یا هنرآموزی که مقطع کوتاهی از عمر خود را برای معامله‌ی دانش در کنار او می‌گذرانند، نظر نمی‌کرد. او علاوه بر آموزش فنی، بر همه‌ی امور زندگی شاگرد نظارت داشت و خود را در آن مسؤول می‌شمرد.

نکته ششم: آموزش معماری و اخلاق؛ در گذشته، تربیت اخلاقی در حین تربیت حرفه‌ای صورت می‌گرفت و فرد با همه‌ی اعمال زندگی، از جمله آموزش و عمل معماری، بار می‌آمد و صفات اخلاقی خود را شکل می‌داد. رشد معمار در تشکیلات صنفی به اخلاق و منش فردی و اجتماعی او وابسته بود. مردم نیز معمار خوش سیرت را، خوش نفس و خوش دست و مبارک می‌شمردند. اخلاق نه امری عرفی، بلکه امری دینی و لازمه‌ی تقرب به خداوند تلقی می‌شد. با توجه به اندیشه‌ی پیوستگی همه‌ی ساحات نظام هستی و اعمال آدمی از امور دنیوی و اخروی خصوصاً در عالم اسلام، اعتقادی راسخ وجود داشت که محصول کار همه‌ی فنون متأثر از دل پدیدآورنده‌ی آنهاست.

۸-۳ فتوت نامه بنایان:

«اگر پرسند که چند اصل است بنائی را بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دوم بر جاده راستی بودن، سیم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد مشایخ و بزرگان.

اگر پرسند که چند حکم باشد بنائی را، بگو که ده حکم است. اول آنکه هر صبح که برخیزد از علم شریعت و طریقت باخبر باشد تا استادی او را مسلم باشد. دوم، هر کس را در خور حوصله و توانائی کار فرماید. سیم، با سخاوت و خیر باشد، چهارم در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد چنان باشد که از برای خود نماید. پنجم با همه کس به خلق نیکو پیش آید. ششم تنگ حوصله نباشد، هفتم فقیر دوست باشد، هشتم کاری گران و زیر دستان خود را به نان و جامه شفقت نماید. نهم پسران مردمان را عزیز دارد. دهم آنکه در کار خود چست و چالاک باشد. (خانمحمدی، ۱۳۷۰: ۱۵)

اگر پرسند که کدام خصلت بنایان بیشتر بکار آید، بگو حیا، چرا که حیا و چشم پاک داشتن از خصلت‌های جوانمردان است و بخصوص بنایان را بکار آید که چون بر کار بالا روند چشم پاک دارند و در خانه دیگران ننگرند و چون ناخواسته عورت دیگران ببیند چشم بسته دارد و هرگز چون بر کار باشد به اطراف ننگرد و آنچه ببیند چشم پوشد». (همان)

نویسنده این فتوت نامه شناخته نشده؛ این فتوت نامه در دو بخش، نخست اصول و کلیاتی به طور عمومی و دوم همان اصول به صورت پرسش و جواب آمده؛ مقولات بخش اول دوازده مورد و



عموماً تأکید بر فضائلی چون ایثار، تواضع، امن، صدق و وفا از جانب اهل این حرفه است. در قسمت دوم، امور ارشادی این طایفه مطرح گردیده و سخن از پیران و مرشدان رفته که انبیاء در رأس و سپس امامان مذهب شیعه قرار دارند. (خانمحمدی، ۱۳۷۰: ۱۰)

صرف نظر از اعتبار این اثر، محتوای این فتوت نامه بسیار ارزشمند و قابل استفاده است؛ در ادامه به برخی از نکات آن، ذیل هفت نکته تقدیم می‌شود.

نکته اول: هدف اهل صنعت و هنر باید رضایت خدا و آسایش خلق خدا باشد.

نکته دوم: طرق وصول به اهداف فتوت، ایثار و احسان است.

نکته سوم: اهل فتوت باید هشت صفت کمالی داشته باشند، از میان آنها، چهار صفت ویژه این

حرفه است که تواضع، امن (طمأنینه)، صدق و وفا است.

نکته چهارم: رعایت برخی از آداب و سنت‌های شرعی و مستحبات برای ایشان لازم است.

نکته پنجم: مراتب این حرفه به ترتیب مزدور، صاحب، استاد بنا می‌باشد که هر کدام کار

مشخصی دارند.

نکته ششم: بنایان سلسله‌ی حرفه خود را به حضرت ابراهیم ۷ و نوح نبی ۷ می‌رسانند. هم

چنین معتقدند بزرگترین بنا نیز حضرت ختمی مرتبت ۹ است و علی ۷ را کریم‌ترین بنا می‌دانند.

نکته هفتم: همراهی و هم‌آغوشی ذکر و عمل را گوشزد کرده برای هر کاری در این حرفه

ذکری و آیه‌ای مخصوص ارائه می‌دهد.

۸-۴ فتوت نامه آهنگران:

سؤال- اگر ترا پرسند فرض آهنگری چیست؟

جواب- اول با وضو بودن، دوم گره بستن بر زمین نصب کند و گرد برگرد ببندد که زخم بر چشم

حواشی نشینان نرسد.

سؤال- اگر ترا پرسند برای دم‌نشینی چه می‌خوانی؟

جواب- بگویم «بسم الله الرحمن الرحیم، فتبارک الله احسن الخالقین، الحمد لله رب العالمین»

سؤال- اگر ترا پرسند دوم پوست الورا می‌گیری چه می‌خوانی؟

جواب - «یوم ینفخ فی الصور فتأتون افواجا» ...

سؤال - اگر ترا پرسند که در کار آهنگری چند شرایط است؟

جواب - بگو که دوازده شرایط است. اول پاک بودن، دوم طهارت بودن، و سیوم راست بودن،

چهارم دستگاه استادان پاک نگاه داشتن، پنجم خلاف نگوید، ششم چراغ استادان را روشن کردن،

هفتم اول و آخر به ارواح استادان و پیران تکبیر گفتن، هشتم از چهار درم یک درم به راه خدای

تعالی صرف کردن، نهم پنج وقت نماز گزاران، دهم وظیفه استادان را دادن، یازدهم به روی خریدار

سخن تند نگوید، دوازدهم در کار خود ثابت قدم بودن.



هر استادی که از این شرائطها و این قاعدهها نداند و شرائط بجا نیارد هرچه از این کسب خورده و پوشیده باشد همه حرام باشد و پیش استادان و پیران مقدم فردا [ای] قیامت شرمنده برخیزد و همه لعنت بر وی کنند و فردا [ای] قیامت سیاه روی برخیزد. هزار زنهار زنهار فضولی نکند و در خواندن و نگاه داشتن تقصیر نکند. غرض نصیحت کردم و رفتم. بیت

مراد ما نصیحت بود گفتیم حواله با خدا کردیم و رفتیم (افشار، ۱۳۸۹)

رساله آهنگری یکی از رسالاتی است که ناظر بر اعمال و رفتار جوانمردان در این صنف است و از حیث مطالب و مضامین شباهت زیادی دارد به فتوت نامه چیت سازان. این رساله به صورت سؤال و جواب است و هم چنین در رساله آهنگری حضرت ثامن الائمه ۷ یکی از چهار پیر طریقت این صنف دانسته شده است. این رساله نه تاریخ تألیف دارد و نه تاریخ تحریر. خط نسخه از آن قرن دوازدهم هجری است. تألیف نسخه به هر حال مربوط است به بعد از شاه قاسم انوار که وفاتش علی الظاهر در سال ۸۷۳ بوده است. (افشار، ۱۳۸۹)

اکنون نکات کلی استخراجی از این رساله تقدیم می شود.

نکته اول: اتصال این رشته و پیشه به سلسله انبیاء، خصوصاً حضرت داوود ۷.

نکته دوم: رعایت اخلاق و احکام دینی به عنوان فرض و واجب در شغل.

نکته سوم: رعایت بسیاری از سنن، آداب و مستحبات اسلامی مانند با وضو بودن و...

نکته چهارم: توجه به ورد و ذکر در حین انجام کار، خصوصاً توجه و تلاوت آیاتی از قرآن کریم

نکته پنجم: شناخت و پیش چشم داشتن راه و رسم مشایخ صنف و پیش کسوتان پیشه

نکته ششم: کسب درآمد حلال و رزق پاک با رعایت شرائط و مسایل اخلاقی و معنوی شیعه

۸- نظام حاکم بر کسب و کار در فتوت نامه های صنفی

۸-۱ احسان و جوانمردی در کسب و کار

در کتاب سترگ اصول کافی نقل شده که امام صادق (ع) برای تجارت، هزاردینار به غلامش «مصادف» داد و به وی فرمود: که اهل و عیالم زیاد شده اند می باید برای تجارت سفری به مصر نمایی. او آماده سفر شد و کالایی را خرید و با قافله ای که عازم مصر بود به راه افتاد، چون نزدیک شهر رسیدند قافله ای را دیدند که در حال بازگشت بود. اهل قافله از آنها از کم و کیف کالایی که همراه داشتند جویا شدند و کالا هم از مایحتاج عمومی بود، آنها گفتند این کالا در شهر کمیاب است، اهل قافله با یکدیگر هم قسم شدند که کالایشان را به سودی کمتر از معادل خرید کالا بفروشند. چون مال التجاره را فروختند و به مدینه بازگشتند، مصادف خدمت امام (ع) رسید و دو کیسه پول را نزد حضرت گذاشت که هر کدام حاوی هزار دینار بود و گفت: فدایت شوم این اصل پول و این هم سود آن، امام فرمود: چه سود زیادی است؟ مگر شما چه کردید؟ مصادف ماجرا را برای امام بیان نمود.



امام (ع) فرمود: سبحان الله، شما بر علیه مردم مسلمان با یکدیگر هم قسم شدید که کالا را به دو برابر قیمت آن بفروشید. پس یکی از کیسه‌ها را برداشت و فرمود: این اصل پول، ولی آن دیگری، مرا بدان پول نیازی نیست و بعد فرمود: ای مصادف! رو در روی شمشیر برهنه ایستادن از طلب روزی حلال آسان تر است.^۱ (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۶۱/۵)

خدای تبارک و تعالی بندگان را به عدل و احسان فرمان داده است (قرآن، قصص: ۷۷)^۲ و (قرآن، نحل: ۹۰)^۳ و (قرآن، اعراف: ۵۶)^۴. عدل تنها سبب نجات بوده و به منزله سرمایه در تجارت است و احسان و جوانمردی سبب فوز و دست یابی به سعادت و به منزله سود در تجارت می‌باشد، و همان گونه که عقلاً در معاملات دنیایی به اینکه تنها سرمایه را حفظ کنند قانع نبوده، بلکه در پی دستیابی به سود هستند، در معاملات اخروی هم شایسته است که انسان تنها به مراعات عدل و پرهیز از ظلم اکتفا ننموده و ابواب احسان را بر روی خویش نبندد.

و مقصود از احسان و جوانمردی در معامله، اموری است که به نفع مشتری بوده و مراعات آن بر فروشنده، واجب نیست، بلکه لطف و عنایتی است نسبت به مشتری.

مهمترین جایی که شاید جوانمردی در کسب و کار تبلور پیدا کند در رابطه با سود بر کالا است که فروشنده برای خود در نظر می‌گیرد که می‌باید بیش از حد متعارف نباشد، اما اصل فروش کالا به قیمتی بیش از قیمت خرید، امر مشروع است، زیرا معامله برای دست یابی به سود انجام می‌گیرد و این امکان ندارد، مگر در صورتی که گران تر از نرخ خرید، کالا فروخته شود، لیکن باید مراعات عرف و انصاف را نمود، بر فرض که مشتری به خاطر احتیاج به کالا و یا علاقه اش به آن، حاضر شود بیش از حد معمول به فروشنده سود دهد، فروشنده باید از دریافت چنین سودی خودداری کند که این خود از باب احسان در معامله می‌باشد، بنابراین، در داد و ستد سودی برای خود در نظر گرفتن اشکالی ندارد، اما به شرط اینکه فریب و نیرنگی در کار نباشد.

احتکار و سود جویی از فضای حاکم در بازار و کسب و کار علاوه بر اینکه از نظر فقهی و حقوقی اشکال دارد از نظر فتوت و جوانمردی نیز مورد نکوهش فتیان قرار می‌گیرد. جوانمرد مسلمان حاضر نمی‌شود برای سود بیشتر برادر خود را دچار زحمت و سختی کند. جامعه اقتصادی ما تشنه بخشش، احسان و ایثار است. فتیان مرتب این شعار معروف را تکرار می‌کنند که آنچه برای خود می‌پسندی

۱. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْفَرَّازِيِّ قَالَ: دَعَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَوْلَى لَهُ يُقَالُ لَهُ مُصَادِفٌ فَأَعْطَاهُ أَلْفَ دِينَارٍ وَ قَالَ لَهُ تَجَهَّزْ حَتَّى تَخْرُجَ إِلَى مِصْرَ فَإِنَّ عِبَّالِي قَدْ كَثُرُوا قَالَ فَتَجَهَّزْ بِمَتَاعٍ وَ خَرَجَ مَعَ التَّجَارِ إِلَى مِصْرَ فَلَمَّا دَنَا مِنْ مِصْرَ اسْتَقْبَلَتْهُمْ قَائِلَةٌ خَارِجَةٌ مِنْ مِصْرَ فَسَأَلُوهُمْ عَنِ الْمَتَاعِ الَّذِي مَعَهُمْ مَا خَالَهُ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَانَ مَتَاعُ الْعَامَّةِ فَأَخْبَرُوهُمْ أَنَّهُ لَيْسَ بِمِصْرَ مِنْهُ شَيْءٌ فَتَخَالَفُوا وَ تَعَاقدُوا عَلَيَّ أَنْ لَا يَنْفُصُوا مَتَاعَهُمْ مِنْ رِيحِ الدِّينَارِ دِينَارًا فَلَمَّا قَبَضُوا أَمْوَالَهُمْ وَ انْصَرَفُوا إِلَى الْمَدِينَةِ فَدَخَلَ مُصَادِفٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ مَعَهُ كَيْسَانِ فِي كُلِّ وَاحِدٍ أَلْفَ دِينَارٍ فَقَالَ جُعِلَتْ فِدَاكَ هَذَا رَأْسُ الْمَالِ وَ هَذَا الْآخَرُ رِيحٌ فَقَالَ إِنَّ هَذَا الرِّيحَ كَثِيرٌ وَ لَكِنْ مَا صُنْعَتُهُ فِي الْمَتَاعِ فَحَدَّثَهُ كَيْفَ صَنَعُوا وَ كَيْفَ تَخَالَفُوا فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَخْلَفُونَ عَلَيَّ قَوْمٌ مُسْلِمِينَ إِلَّا تَبِعُوهُمْ إِلَّا رِيحَ الدِّينَارِ دِينَارًا ثُمَّ أَخَذَ الْكَيْسَيْنِ فَقَالَ هَذَا رَأْسُ مَالِي وَ لَا حَاجَةَ.

۲. وَ أَحْسَنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ

۳. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ

۴. إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ



۱۱۶۵ ► مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت

برای دیگران نیز بیسند و آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران نیز نپسند. در مراودات برد بار و صبور باش که صبر حلال مشکلات است؛ و چه زیباست اگر مانند فتیان قائل باشیم که ایجاد اشتغال و نان دادن مهمتر از نان خوردن است.

۸-۲ توحید محوری در کسب و کار

در فتوت اصنافی کار و تلاش اقتصادی و خدماتی به عنوان یک سلوک دینی شمرده شده و کار به عنوان یک وظیفه الهی مطرح است و این همان وظیفه گرایی دینی در کار و پیشه است؛ داشتن نیت تقرب توحیدی در کار و تولید بر اهل پیشه فرض بوده و در دیدگاه ایشان کار و تولید به صورت یکی از مصادیق عمل صالح تلقی می شود. اسلام عزیز بر اساس اصالت اصل سعی و کوشش هدف دار همه را دعوت به تلاش و جهاد و اجتهاد کرده است. در اسلام بیکاری مردود و مطرود است و کار به عنوان یک امر مقدس شناخته شده است. توسل، ذکر و یاد کرد بر اولیاء دین نیز از مصادیق بارز همین توحید محوری است.

در فتوت نامه بنایان است: اگر پرسند که چون بر سر کار روی کدام آیه از کتاب خدا را قرائت کنی، بگو که این کلام خداوند را که فرماید: لیس للانسان الا ماسعی... و اگر پرسند چون قالب بدست گیری چه خوانی، بگو قوله تعالی: لایصلیها الا الاشقی الذی کذب و تولى، ان جاء الاعمی... و چون پرسند که اگر طرح گنبد اندازی و طاق ها راست کنی چه گویی، بگو: یقولون اتمم لنا نورنا و اغفر لنا انک علی کل شیء علیم... و اگر پرسند چون خشت دو نیمه کنی چه خوانی، بگو: فتبارک الله احسن الخالقین و الحمد لله رب العالمین... (خانمحمدی، ۱۳۷۱: ۱۵)

در فتوت نامه آهنگران آمده: سؤال، اگر ترا پرسند برای دم نشینی چه می خوانی؟ جواب، بگویم «بسم الله الرحمن الرحیم، فتبارک الله احسن الخالقین، الحمد لله رب العالمین»، سؤال، اگر ترا پرسند دوم پوست الو را می گیری چه می خوانی؟، جواب، «یوم ینفخ فی الصور فتأتون افواجا». سؤال، اگر ترا پرسند وقتی که انبر را به دست می گیری چه می خوانی؟، جواب بگو: «نارالله الموقدة التي...». سؤال اگر ترا پرسند وقتی که آهن را کشیده برسندان می نهی چه می خوانی؟، جواب بگو: «واتبع مله ابراهیم حنیفا». سؤال اگر ترا پرسند که فتنه به دست می گیری چه می خوانی؟، جواب بگو: «من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون». (افشار، ۱۳۸۹)

۸-۳ اخلاق گرایی در کسب و کار

شرط ورود فرد به صنعت و پیشه آراستگی و ادب دانسته شده و اهلیت یافتن و تخلق به اخلاق جوانمردی و پاک گردیدن از هر گونه رجس و ناپاکی را شرط حضور وی می دانسته اند. نظم، اتقان و کارایی، پاک و طیب بودن نظام تولید، دوری از خیانت و اجحاف، تعهد و ایثار در کار، خوب کار کردن، تقدم کیفیت بر کمیت، توأمان بودن ادب درس و ادب نفس از صفات بارز اهل صنعت بوده است. هم



چنین اعطا و اخذ یا تعلیم و تعلم در انتقال مهارت‌ها و راز و رمزها که از استاد به شاگرد می‌رسیده نیز در گرو یافتن اهلیت بوده. شاگرد می‌بایست از توقف در اخلاق و عادات بد و خودبینی، خود پسندی‌ها و غرور و دنیا طلبی پرهیز می‌کرده و وجود خویش را برای درک حقایق و رموز آماده می‌کرده است. اگر پرسند که کدام خصلت بنایان بیشتر بکار آید بگو حیا چرا که حیا و چشم پاک داشتن از خصلت‌های جوانمردان است و بخصوص بنایان را بکار آید که چون بر کار با لا روند چشم پاک دارند و در خانه دیگران ننگرند و چون ناخواسته عورت دیگران بیند چشم بسته دارد و هرگز چون بر کار باشد به اطراف ننگرد و آنچه بیند چشم پوشد. اگر پرسند که چون بسر کار روی کدام آیه از کتاب خدا را قرائت کنی بگو که این کلام خداوند را که فرماید: لیس للانسان الاماسعی. (خانمحمدی، ۱۴: ۳۷۱) در رساله معماریه است: حضرت آقای مشارالیه که وجودی شریف و به غایت حلیم و سلیم طبع است و در دین و دیانت سخت متعبد، هیچ گاه ذره ای کبر و کین به دل نداشته است و به فرانمودن معارف و کمالات خود نپرداخته است. توان گفت که هرگز، ولو یک بار، به عمر خود بر زبان نیاورده است که بر فلان کار قادرم و در فلان صنعت و عمل ماهرم. اگر بیگانه ای سال‌ها با وی همنشین شود، تا آقا برنخیزد و به کاری نپردازد، از صنعت و کار و معرفت وی در علم هندسه آگاه نشود؛ زیرا که وی بر رغم دیگران، خود نستاید و باوقار و بزرگ منش است. نگوید فلان گونه و فلان نوع هنر دارم (جعفر افندی، ۱۳۸۹: ۷۶ - ۷۷).

در فتوت نامه بنایان می‌خوانیم: اگر پرسند که چند اصل است بنائی را بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دویم بر جاده راستی بودن، سیم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد مشایخ و بزرگان. اگر پرسند که چند حکم باشد بنائی را، بگو که ده حکم است. اول آنکه هر صبح که برخیزد از علم شریعت و طریقت باخبر باشد تا استادی او را مسلم باشد. دویم، هر کس را در خور حوصله و توانائی کار فرماید. سیم، با سخاوت و خیر باشد، چهارم در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد چنان باشد که از برای خود نماید. پنجم با همه کس به خلق نیکو پیش آید. ششم تنگ حوصله نباشد، هفتم فقیر دوست باشد، هشتم کاری گران و زیر دستان خود را به نان و جامه شفقت نماید. نهم پسران مردمان را عزیز دارد. دهم آنکه در کار خود چست و چالات باشد. اگر پرسند که کدام خصلت بنایان بیشتر بکار آید، بگو حیا، چرا که حیا و چشم پاک داشتن از خصلت‌های جوانمردان است و بخصوص بنایان را بکار آید که چون بر کار بالا روند چشم پاک دارند و در خانه دیگران ننگرند و چون ناخواسته عورت دیگران بیند چشم بسته دارد و هرگز چون بر کار باشد به اطراف ننگرد و آنچه بیند چشم پوشد. (خانمحمدی، ۱۳۷۱: ۱۵)

۸-۴ کسب و کار، طریق سلوک معنوی

در منظر پیشه گران، کار، هدف غایی نبوده، بلکه وسیله‌ای برای پرورش و رشد بعد شخصی و اجتماعی است. صنایع نزد اهل معرفت پیشه‌ای بوده است که با آن هم اشتغال به کار داشته اند و



۱۱۶۷ ► مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت

هم اینکه این پیشه و کار، راه سلوک معنوی آنان محسوب می شده است. پیشه این صنعتگران قبل از اینکه جنبه اقتصادی داشته باشد، جنبه معنوی داشته است. هنرمندان با پیشه خویش، سلوک معنوی می کردند. از این جهت، اصولاً برای ورود به طریقت، موظف می شدند که هنر یا صنعتی را اختیار کنند. یکی از نکات مثبت در فرهنگ فتیان، ارزش دادن به کار و تلاش و مفید بودن برای جامعه و دارا بودن حرفه و صنعت نزد جوانمرد بوده است. در اینجا نیز پرتو تعلیم قرآنی، در این جریان تاریخی رخ می نماید. در زمانی که رواج فتوت و جوانمردی در ایران به اوج رسیده بود، در آیین فتوت هر صنف و پیشه‌ای را به تفصیل بیان کرده بودند و هر کس هم که حرفه‌ای نداشت، هنگامی که وارد سلسله‌ی فتوت می شد، می بایست پیشه‌ای اختیار کند. (ندیمی، ۱۳۷۴: ۴۵۸)

۸-۵ سودمندی اجتماعی

صناعت پیشه گان، انجام تولید در جهت منافع جامعه و خدمت به خلق را وجه همت خویش قرار داده بودند و لذا با بهره گیری صحیح و بهینه از امکانات جامعه، می کوشیدند مراعات نفع و نیاز جامعه به احسن وجه صورت پذیرد و از سوی دیگر تأکید داشتند که هیچ کس سربار و کلّ بر جامعه نباشد. پس واجب است بر کافه ناس که هر کس به قدر استعداد در صنعتی کوشد که نظام کل و نوع و شخص در آن است (میرفندرسکی، ۱۳۸۷: ۹۰)

۸-۶ نظام آموزشی، معنوی استاد و شاگردی

در نظر پیشینیان انتخاب استاد، شیخ و پیر وارسته اصلی ترین وظیفه شاگرد بوده. از دیگر سوی استاد در تربیت مهارتی و معنوی شاگرد وظیفه بس گران و بی بدیل داشته است. در فتوت نامه سلطانی آمده: بدان که هیچ کاری بی استاد میسر نمی شود و هر که بی استاد کاری کند، بی بنیاد باشد. (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۹۰)

صادق بیک افشار می سراید:

مجو تعلیم ز استادان تصویر	که از فرزند خود دارند تقصیر
اگر فهمت کند سستی در ین فن	به شاگردی گرایی تا به مردن
و گر گردی به آسانیش تفهیم	حسد گردد حجاب راه تعلیم
بود مردی نه مرد ریش و دستار	که در قید حسد باشد گرفتار
نمی گویم که خود هرزه سپر باش	ولی جویای مرد راهبر باش

(دانش پژوه، ۱۳۴۹: ۱۱-۲۰)

شهاب الدین عمر سهروردی در فتوت نامه‌ی خویش می گوید: استاد، باید همواره در اندیشه‌ی شاگرد باشد، چه او حاضر باشد چه غایب. اگر از شاگرد خطایی در فتوت سر زد، صاحب (استاد) در حالی که سر و چشمش به زیر است، باید به او بگوید: این خطا و سهو از تو در وجود آمد. در هر مقام که باشی، مرا حاضر دان، که دیده‌ی دل و چشم و گوش و خاطر و همت ما سوی توست و در هر مقام که باشی،



به حرکات تو حاضر و واقفیم. اگر استادی این دوستی را نداشته باشد، استاد نیست، بلکه فقط به معنای مجازی استاد است. اگر استادی نسبت به سهو خطای شاگردان بی‌اعتنا باشد، دیگر حقی بر گردن ایشان ندارد. استاد، باید همواره در اندیشه‌ی آموزش شاگرد باشد. صاحب، باید آنچه او از گذشتگان و خصائل ایشان می‌داند، بازگوید و روز به روز فعل و ادب شاگردان را زیادت بخشد تا این که شاگردان بتوانند خود به مرحله‌ی استادی برسند. استاد یا صاحب، پیوسته باید دست سخاوت و مروت و ایثار گشاده دارد. از شاگردان و دیگران هیچ چیز مضایقه نکند و دریغ ندارد و در خانه‌ی او (فتوت خانه) به سنت زاویه و لنگر، به روی همه باز باشد. مسافران، هیچ گاه نباید در خانه را بسته ببینند. استاد، باید به شاگردان خدمت به یکدیگر را بیاموزد و بیاموزد که به یکدیگر اعتماد کنند و پشتیبان همه باشند. استاد که شاگردان را آموزد و قابلیت هر یک را شناسد، باید تشخیص بدهد چه نوع دانش و معرفتی برای هر کدام لازم است و شاگردان در چه نوع فن و هنری و تا کجا می‌توانند پیشرفت داشته باشند، کدام یک از آن‌ها می‌توانند در جرگه‌ی طریقت باشند و چه کسانی زائران راه حق. استاد، باید شاگردان را چنان تربیت کند و آماده سازد و به کمالات رساند که اگر روزی مأموریتی یا پیامی برای شاگردان دیگر داشت، بتواند از عهده برآید؛ یعنی بداند با دیگران بر حسب مقام معنوی‌شان چه بگوید و از ایشان چه بخواهد و بداند در هر موقع و مکان چه رفتاری کند که زبینه‌ی جوانمردان باشد. در هیچ لحظه، به ویژه هنگام عبادت و نماز، استاد، شاگردان خود را از نظم دور ندارد (صراف، ۱۳۷۰: ۲۳۰)

حقوق بسیار استاد و شاگرد نسبت به هم در این چهارچوب قابل تحلیل و بررسی است. در کتاب شریف تحف العقول می‌خوانیم: حق شاگرد، و کسی که متصدی امر تعلیم و تربیت او هستی، این است که بدانی خدا تو را به واسطه دانشی که ارزانیات داشته و گنجینه حکمتی که نزدت سپرده است، سرپرست وی قرار داده است، پس اگر این سرپرستی الهی را نیکو انجام دهی، و برای او موقعیت یک خزانه دار خیرخواه و مهربان را حایز گردی، و نسبت به وی، همانند رهبری الهی نسبت به زیردستش، راهنما و نصیحت گر باشی، و در برابر زحمات تربیتی و کوتاهی‌های شاگرد، صبر و حوصله و حساب‌گری و ارزیابی به خرج دهی و در قبال او همانند کسی که وقتی نیازمندی را دیدی از اموالی که در دست دارد و عطا می‌کند رفتار کنی، در این صورت، هدایت‌گری شایسته و سرپرستی رشید هستی، و در این زمینه مایه امید و دل‌بستگی می‌باشی و گر نه، به خدا خائن و به خلقش ستم گر خواهی بود و با تلف کردن عمر و قوا و استعدادهای شاگردت، باعث نابودی او، و ناارجمندی‌اش گردیده‌ای. (حرّانی، ۱۳۷۶: ۲۶۷)

۷-۸ برکت کار و مال

پیشینیان حکیم ما، بیش و پیش از انباشتن مال و افزودن نقدینگی معتقد به برکت در کار و مال و در آمد بودند و آن را از طریق تقید به شکرگزاری از نعمت‌های الهی می‌دانستند و در پس این برکت، افزونی آرامش روحی و جسمی را جستجو می‌کردند.



۱۱۶۹ ► مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت

سؤال، اگر ترا پرسند که در کار آهنگری چند شرایط است؟ جواب بگو که دوازده شرایط است. اول پاک بودن، دوم طهارت بودن، و سیوم راست بودن، چهارم دستگاه استادان پاک نگاه داشتن، پنجم خلاف نگوید، ششم چراغ استادان را روشن کردن، هفتم اول و آخر به ارواح استادان و پیران تکبیر گفتن، هشتم از چهار درم یک درم به راه خدای تعالی صرف کردن، نهم پنج وقت نماز گزاردن، دهم وظیفه استادان را دادن، یازدهم به روی خریدار سخن تند نگوید، دوازدهم در کار خود ثابت قدم بودن. هر استادی که این‌ها و مسئله‌ها و شرایط‌ها را بداند (حضرت داوود(ع)... از وی راضی و خشنود باشند و هرچه از این کسب خورده باشد و یا پوشیده باشد مَمر حلال باشد... هر استادی که از این شرائط‌ها و این قاعده‌ها نداند و شرایط بجا نیارد هرچه از این کسب خورده و پوشیده باشد همه حرام باشد و پیش استادان و پیران مقدم فردا [ای] قیامت شرمنده برخیزد و همه لعنت بر وی کنند و فردا [ای] قیامت سیاه روی برخیزد. هزار زنهار زنهار فضولی نکند و در خواندن و نگاه داشتن تقصیر نکند. (افشار، ۱۳۸۹)

۸-۸ فرهنگ کار مضاعف

اهل صنایع در گذشته تلاش در جهت خودکفایی و استقلال ورهایی از وابستگی را بر خود فرض می‌دانستند، از سوی دیگر امید، خودباوری، همت بلند و اراده قوی، استفاده از فرصت‌ها و سرعت مطلوب در کار، استفاده‌ی کامل از دانش و امکانات موجود، تلاش و جدیت در انجام کار همراه با پی‌گیری و استقامت، تحمل مشکلات و مشقات، باور به توان انجام کار و پرهیز از اظهار ناتوانی از صفات و مرام ایشان بوده است.

سؤال، اگر ترا پرسند که در کار آهنگری چند شرایط است؟ جواب - بگو که دوازده شرایط است ... دوازدهم در کار خود ثابت قدم بودن. (افشار، ۱۳۸۹)

در فتوت نامه‌ی سلطانی آمده است: ... اگر پرسند که شاگرد از چه چیز به مطلوب رسد؟ بگوی از خدمت. اگر پرسند که بنای خدمت بر چیست؟ بگوی بر ترک راحت و کشیدن محنت. اگر پرسند که ارکان شاگردی چند است؟ بگوی چهار؛ اول، آن که مردانه شروع کند، که شروع ناکردن به از فرو گذاشتن و از راه برگشتن... دوم، چهل روز به صدق تمام خدمت کردن. سوم، دل و زبان را به هم راست کردن. چهارم، پند گرفتن و هرچه از استاد شنود، یاد گرفتن... (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۹۵) (استاد) باید شاگردان را چنان تربیت کند و آماده سازد و به کمالات رساند که اگر روزی مأموریتی یا پیامی برای شاگردان دیگر داشت، بتواند از عهده برآید؛ یعنی بداند با دیگران بر حسب مقام معنویشان چه بگوید و از ایشان چه بخواهد و بداند در هر موقع و مکان چه رفتاری کند که زینده‌ی جوانمردان باشد. (مرتضی صراف، ۱۳۷۰: ۲۳۰)

اگر پرسند که چند حکم باشد بنائی را، بگو که ده حکم است... چهارم در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد چنان باشد که از برای خود نماید. پنجم با همه کس به خلق نیکو پیش آید...



دهم آنکه در کار خود چست و چالات باشد. (خانمحمدی، ۱۳۷۰: ۱۵)

۸-۹ کمک به فقرا و نیازمندان

افندی در صفت استاد خود می‌گوید: عادت شریف وی چنین بوده است که تا مالی به دست آورد، حَب خدای را، نهانی بر درویشان بذل و تصدق کند. هرگز نبوده است که درهمی یا دانه ای پنهان و اندوخته و ذخیره کند و در اندیشه‌ی اندوختن مالی چند باشد (جعفر افندی، ۱۳۸۹: ۹۷) در فتوت نامه آهنگران آمده: ... اگر ترا پرسند که در کار آهنگری چند شرایط است؟ جواب، بگو که دوازده شرایط است... هشتم، از چهار درم یک درم به راه خدای تعالی صرف کردن (افشار: ۱۳۸۹). ۸-۱۰ اقتدا بر پیشوایان توحیدی در کسب و کار

پیشینیان بر این اعتقاد بودند که تمامی پیامبران گذشته و امامان هر کدام صاحب حرفه‌ای بوده‌اند. هر صنف، یک «ولی» داشت و رسم بر این بود که وضع و ابتکار حرفه را به شخصی که معمولاً نبی، حکیم، پادشاهی مؤمن، ولی، یا یکی از صالحان بود، نسبت دهند. صنعتگران، معتقدند که اصالت حرفه از شناخت ولی ای که آن را پایه نهاده، محقق می‌گردد و با این شناخت برای کارآموز اطمینان خاطر حاصل می‌شود و رغبت او نسبت به آن کار افزوده می‌گردد و می‌پندارند که معرفت ولی کسب را حلال می‌گرداند.

در فتوت نامه بنایان می‌خوانیم: اگر پرسند اول بنا که بود بگو که اول بنا ابراهیم خلیل بود که خانه کعبه بنا کرد... اگر پرسند بزرگتر بنایان که بود بگوی که پیغامبر ما بود که چون سیل بیامد و بنای کعبه بنشست حضرتش با دیگر مومنان به تجدید بنای آن اقدام نمودند... اگر پرسند کریمترین بنایان که بود بگوی علی بود، ... که در بنای مسجد مدینه پیغامبر را معاضدت کرد؛ و او سر جوانمردان است و بزرگترین ایشان در مقام... (خانمحمدی: ۱۴، ۱۳۷۱)

افندی می‌نویسد: (استاد هندسه) استادان صدف کار را گفت: ... پیر استادان سنگ کار و آنان که مساجد شریفه و جوامع لطیفه سازند، کیست؟ خود بگویم: پیر ایشان شیث پیغامبر، پور آدم صفی الله است که درود خدای بر ایشان باد... پیر درودگران حضرت نوح پیغامبر است، ... نخست آن که بر طریق علم حساب و جذر علم حساب نوشت، حضرت ادریس بوده، که علم حساب و علم نجوم تصنیف و تألیف کرد (جعفر افندی، ۱۳۸۹: ۶۷).

۸-۱۱ نقش ذکر و ورد الهی در کسب و کار

استادی، از معماران سنتی کاشان، می‌گوید: پدر من پوش گنبد را با ذکر صلوات شروع و هنگام کار مدیحه سرایی می‌کرد. مردان و زنان در محل کار جمع می‌شدند و در طول پوشش گنبد گریه می‌کردند، به طوری که مدیحه و پوش با هم به اتمام می‌رسید. (اسلامی، مندگاری، ۱۳۸۴: ۹۸) در فتوت نامه بنایان است: اگر پرسند که چون بر سر کار روی کدام آیه از کتاب خدا را قرائت کنی، بگو که این کلام خداوند را که فرماید: لیس للانسان الا ماسعی... و اگر پرسند چون قالب



۱۱۷۱ ► مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت

بدست گیری چه خوانی، بگو قوله تعالی: لا یصلیها الا الاشقی الذی کذب و تولى، ان جاء الاعمی ... و چون پرسند که اگر طرح گنبد اندازی و طاق‌ها راست کنی چه گویی، بگو: یقولون اتمم لنا نورنا و اغفر لنا انک علی کل شیء علیم... و اگر پرسند چون خشت بر یکدیگر نهی کدام آیه خوانی، بگو اذا زلزلت الارض زلزالها... و اگر پرسند چون خشت دو نیمه کنی چه خوانی، بگو: فتبارک الله احسن الخالقین و الحمد لله رب العالمین ... (خانمحمدی، ۱۳۷۱: ۱۵)

در فتوت نامه آهنگران آمده: سؤال، اگر ترا پرسند برای دم نشینی چه می‌خوانی؟ جواب، بگویم «بسم الله الرحمن الرحیم، فتبارک الله احسن الخالقین، الحمد لله رب العالمین»، سؤال، اگر ترا پرسند دوم پوست الورا می‌گیری چه می‌خوانی؟، جواب، «یوم ینفخ فی الصور فتأتون افواجا». سؤال، اگر ترا پرسند وقتی که انبر را به دست می‌گیری چه می‌خوانی؟، جواب بگو: «تار الله الموقدة التي...». سؤال اگر ترا پرسند وقتی که آهن را کشیده برسندان می‌نهی چه می‌خوانی؟، جواب بگو: «واتبع مله ابراهیم حنیفا». سؤال اگر ترا پرسند که فتکه به دست می‌گیری چه می‌خوانی؟، جواب بگو: «من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون». (افشار، ۱۳۸۹)

۸-۱۲ سرمایه‌گذاری روی نخبگان عامل بقاء کسب و کار

صاحب صناعات برای بقاء کار و کسب خویش همواره به دنبال استعدادها و زمینه‌های مستعد و پاک بوده‌اند، هم از این رو است که پیشینیان نوعاً بر روی آشنایان از جمله فرزند، داماد، برادر یا برادر زاده یا خواهرزاده و... سرمایه‌گذاری می‌نمودند و لذا در گذشته نه چندان دور خاندان‌های هنر و صنعتی بسیار بوده‌اند، که علاوه بر تأمین اقتصاد خانواده و تأمین آینده شغلی، حفظ اسرار شغلی و ... نخبه‌گزینی نیز مطرح بوده‌است. داستان زیر گویای این توجه استادان به تربیت شاگرد بوده‌است. روزی ابوعلی سینا از جلوی آهنگری (یا نانواپی) می‌گذشت. کودکی را دید که از آهنگر مقداری آتش می‌خواهد. آهنگر گفت: ظرفت را بگیر تا آتش در آن بریزم، ولی کودک ظرف نیاورده بود، کودک بی‌درنگ خم شد و مقداری خاک از زمین برداشت و کف دست خود پهن کرد و گفت: بریز. ابن سینا از تیزهوشی او در شگفت ماند. جلو رفت و نام کودک را پرسید. پسرک گفت: نامم بهمنیار است. ابن سینا او را به شاگردی خود پذیرفت و در تربیتش کوشید. یکی از حکیمان و دانشمندان روزگار خود شد. (اسفندیار، ۱۳۸۶: ۵)

۸-۱۳ مراعات چارچوب‌های شرعی و حقوق مالی و عدم سهل‌انگاری در امور دینی

از صفات بارز اهل پیشه، یکی لزوم مراعات تعهدها و قراردادهای، دو دیگر دوری از صفات آزمندی، طمع، خیانت، فریب، اسراف، ظلم، کفران نعمت‌ها، احتکار و سه دیگر لزوم رعایت عدالت و انصاف بوده‌است.

افندی در صفت استاد خود می‌گوید: عادت شریف وی چنین بوده‌است که تا مالی به دست آورد، حب خدای را، نهانی بر درویشان بذل و تصدق کند. هرگز نبوده‌است که درهمی یا دانه‌ای



پنهان و اندوخته و ذخیره کند و در اندیشه‌ی اندوختن مالی چند باشد (جعفر افندی، ۱۳۸۹: ۹۷). در فتوت نامه آهنگران آمده: ... اگر ترا پرسند که در کار آهنگری چند شرایط است؟ جواب، بگو که دوازده شرایط است... هشتم از چهار درم یک درم به راه خدای تعالی صرف کردن (افشار، ۱۳۸۹) و ده‌ها سنت خُرد و کلانی هستند که از لابه لای موارث فرهنگی، ادبی و هنری این کهن بوم و آیین آسمانی می‌توان دریافت کرد؛ چونان التزام به قراردادهای و پیمان‌ها، مراعات چارچوب‌های شرعی و حقوق مالی، عدم سهل انگاری در امور دینی، هدفمند زیستن، توجه به کرامت انسانی، ممنوعیت تعاون بر بدی‌ها، توجه به میراث هنری، اخلاقی استادان گذشته و زنده نگه داشتن نام استادان، اداء احترام به خانه و خانواده استاد، خصوصاً تربیت فرزندان ذکور استاد، احترام به مرقد استاد، استمداد از روح استادان و دعا و خیرات برای ایشان، همراهی استادان و شاگردان به جلسات وعظ و خطابه و زورخانه، انتقال آداب و رسوم و شعائر اخلاقی، مهارتی در قالب ضرب المثل، شعر و نثر کوتاه (سنت ترجمان^۱)، حراست و حرمت نسبت به ابزار کار و کارگاه.

از خدا جوییم توفیق ادب	بی‌ادب محروم گشت از لطف رب
بی‌ادب تنها نه خود را داشت بد	بلکه آتش در همه آفاق زد
هر چه بر تو آید از ظلمات و غم	آن ز بی‌باکی و گستاخیست هم
هر که بی‌باکی کند در راه دوست	رهزن مردان شد و نامرد اوست
از ادب پر نور گشته‌ست این فلک	و ز ادب معصوم و پاک آمد ملک (مولوی)

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
اسفندیار، سرور (۱۳۸۶). روز معلم. مجله گلبرگ، اردیبهشت، شماره ۸۶، صفحه ۵
اسلامی، محمد تقی و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). اخلاق کاربردی قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
اسلامی، سید غلامرضا و مندگاری کاظم، (۱۳۸۴) آموزش معماری و تربیت معماران، مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر، تهران، فرهنگستان هنر
افشار، ایرج (۱۳۸۹). فتوت نامه آهنگران. ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت سال ۵ شماره ۱۲ شماره پیاپی ۶۰ افشاری، مهران (۱۳۸۲). فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
افشاری، مهران (۱۳۸۴). آیین جوانمردی: مرام و سلوک طبقه عامه ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
افشاری، مهران و مدائنی، مهدی (۱۳۸۱). چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، تهران: نشر چشمه.
ایوبی حجت‌الله (۱۳۸۰)، گفت‌مان انقلاب اسلامی. فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی. پیش شماره. بهار
ایرج، افشار (۱۳۸۹). فتوت نامه آهنگران. ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت سال ۵ شماره ۱۲ شماره پیاپی ۶۰ آزاد، میترا. (۱۳۸۴). آیین جوانمردان و آموزش سنتی معماران در ایران. مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. صص ۹-۴۰.

۱. ترجمان اصطلاحی در بین اهل فتوت به معنای آنچه مریدان می‌بایست درباره‌ی عقاید و آداب و رسومشان می‌دانستند، عموماً به صورت شعر یا جملات منشور فارسی یا عربی به آنها آموزش داده می‌شد. در این ترجمان‌ها گاه برخی آداب و رسوم و عقاید ایشان شرح داده شده است؛ همچنین به سخنان غالباً منظومی که هنگام اجرای مراسم خاص یا خارج از مراسم می‌خوانند، مثلاً هنگام خوابیدن، خوردن، لباس پوشیدن و دیدار شیخ، ترجمان می‌گویند.



۱۱۷۳ ► مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت

- بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، (۱۱۱۱ ه)، مؤسسه الوفاء بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.
- پازوکی، شهرام (۱۳۸۹). «معنای صنعت در حکمت اسلامی بر اساس رسالهٔ صناعیه میرفندرسکی» خبرنامه فلسفی سال چهارم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۲۵، صص ۳۹-۳۴
- تجویدی، اکبر. (۱۳۵۲). نقاشی ایرانی از کهن ترین روزگار تا دوران صفویه. تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر
- جابری مقدم، مرتضی هادی، (۱۳۸۶)، شهر و مدرنیته، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
- جعفر افندی. (۱۳۸۹) رساله معماریه. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: متن (فرهنگستان هنر)
- حاکمی، اسماعیل (۱۳۸۴). آیین فتوت و عیاری، اطلاعات. همچنین مجله سخن، ۱۳۴۶ دوره ۱۷، صص ۷۸-۲۷۱
- حرانی، ابن شعبه، (۱۳۷۶) تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- خانمحمدی. علی اکبر (۱۳۷۰). فتوت نامه معماران و بنایان. صفه، دوره دوم، (شماره پنجم)
- خروش، کیخسرو (۱۳۸۰). رساله آداب المشق منسوب به حضرت استاد میرعماد الحسنی (باباشاه اصفهانی) تهران: مبلغان.
- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۴۹) قانون الصور. ماهنامه هنر و مردم دوره ۸، ش ۹۰ (فروردین ۴۹): صص ۱۱-۲۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران
- دیوید، فردار (۱۳۸۰) مدیریت استراتژیک، پارسائیان و اعرابی، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی
- رزاقی، افشار، (۱۳۸۱)، نظریه‌های ارتباط اجتماعی، تهران، نشر پ کیان.
- رشیدپور، ابراهیم، (۱۳۴۸)، ارتباط جمعی و رشد ملی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران
- شریفی، احمد حسین، (۱۳۸۹). آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، قم: معارف
- شکری، هوشنگ، (۸۹/۷/۵) اندیشه جوانمردی در اسلام، روزنامه ایران، شماره ۴۶۱۱، صفحه ۲۲ (اندیشه)
- شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲). اصول کافی، ترجمه شیخ محمد باقر کمره‌ای، قم: انتشارات اسوه
- الشیخلی، صباح ابراهیم سعید. (۱۳۶۲). اصناف در عصر عباسی. مترجم هادی عالم‌زاده تهران: انتشارات نشر دانشگاهی.
- صراف، مرتضی (۱۳۷۰). رسایل جوانمردان: مشتمل بر ۷ فتوت‌نامه، تهران: معین، انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- فرامرز قراملکی، احد، (۱۳۸۵). اخلاق حرفه‌ای، چاپ سوم، تهران: نشر مجنون
- فراجم، رسول و همکاران (۱۳۹۰). مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی، فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای سال اول شماره ۲ تابستان (۲۷-۴۰)
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۴). نظام آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله‌ی معماریه، هم اندیشی معنویت و آموزش هنر، تهران، فرهنگستان هنر.
- کاشفی، حسین بن علی، (۱۳۵۰). فتوت‌نامه سلطانی، به اهتمام محمد جعفر محجوب، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران
- کربن. هنری. (۱۳۸۳) آیین جوانمردی. ترجمه ی احسان نراقی تهران: انتشارات سخن
- محجوب، محمد جعفر (۲۰۰۰ م). آیین جوانمردی یا فتوت، نیویورک: Bibliotheca Persica Press.
- مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱). فلسفه اخلاق، تحقیق احمد حسین شریفی تهران. شرکت چاپ و نشر بین الملل
- مولانا، حمید، (۱۳۷۱)، گذر از نوگرایی، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- مهرداد، هرمز، (۱۳۸۰)، نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران، موسسه فرهنگی- پژوهشی فاران.
- میترا آزاد (۱۳۸۴) آیین جوانمردان و آموزش سنتی معماری در ایران، مقالات اولین هم اندیشی معنویت و آموزش هنر، تهران، فرهنگستان هنر
- میر فندرسکی، میرزا ابوالقاسم، (۱۳۸۷). رساله صناعیه، (تحقیق، حسن جمشیدی)، قم: موسسه بوستان کتاب
- میل، جان استوارت، (۱۳۸۶)، حکومت انتخابی، ترجمه علی رامین، تهران، نشر نی.
- ناظمی، میترا (۱۳۸۹) آیین جوانمردی، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، سال پنجم شماره ۱۲ پایانی ۶۰

۱۱۷۴ ◀ مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نائبی، هوشنگ، (۱۳۸۵)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، تهران، نشر نی، چاپ هفتم.
ندیمی، هادی، (۱۳۷۴). آیین جوانمردان و طریقت معماران، مجموعه مقالات کنگره‌ی تاریخ معماری و شهرسازی
ارگ بم، ج ۲ تهران: انتشارات میراث فرهنگی.

